

# Անի Շարաքաթերք مجله ادبی آنی

وب سایت: <http://aniletters.com>

اول آذر 1402 شماره 30

در این شماره خواهید خواند:

- نقش هوش مصنوعی در ارتقای ادبیات ملل
- پرستش دیونوسوس و شهرتش در یونان
- مصاحبه با استاد سامان دماوندی نوازنده ویولون و مدیر آموزشگاه نارسیس (استودیومیرلا)
- Թաթուլ Օհանեան
- قصه های عامیانه

Քեզ կը բնա  
միշտ օտար  
Նաիրական  
իմ հոգին,  
Եվ թախիծն  
այս  
անդադար,  
Եվ  
տրտունջը  
հին:  
Վ.Տերեան

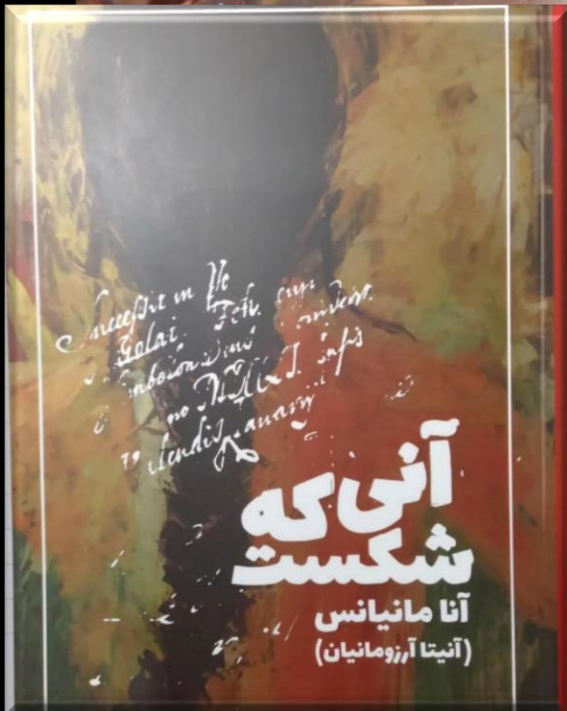


موسیقی انتسابی یا اکتسابی؟!



## فهرست

11-12.....	مقدمه
13-17.....	بزرگان شعر
18.....	ادبیات جهان
20.....	ادبیات ارمنی
21.....	ادبیات ایران
23-26.....	شعر شاعران
28.....	حکایت ها
4-5.....	تبلیغات
31.....	موسیقی
34-36.....	مصاحبه
32.....	بهداشت دهان و دندان





دسته بندی موضوعی: ادبیات  
دوره انتشار: هفته نامه  
مدیر مسئول: آنیتا-آرزومانیان  
شماره: سی-ام

پست الکترونیک:

[Ani.arzoomanian@yahoo.com](mailto:Ani.arzoomanian@yahoo.com)

تلگرام:

[t.me/aniletters](https://t.me/aniletters)

اینستاگرام:

[@anita\\_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

وبسایت:

[www.aniletters.com](http://www.aniletters.com)

[www.anipoetry.ir](http://www.anipoetry.ir)

طراح وبسایت: استاد داوود محمدکيا

[@eshher.official](https://www.instagram.com/eshher)

## تبلیغات

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات گرانبها  
،ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور آلات  
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل  
فرمایید.

**09190266552**

ادوین آرزومانیان

خرید،فروش و تعمیرات تخصصی لپ تاپ و  
قطعات.  
شماره تماس:

**091001449966**

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لثه و ایمپلنت

**22019366**

**22019073**

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره  
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر تماس  
حاصل فرمایید.

**66710039**

**09195088536**

- پلاتو فیزیکیال تئاتر فاریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

محدوده کریمخان  
تلفن تماس:

09369275228

جناب آقای علی دماوندی

@mirela\_\_art



## تجربه حس خوب با اریال یوگا

کالری سوزی بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری

افزایش انعطاف پذیری بدن

از بین بردن گرفتگی عضلات

تسکین فشارهای مفاصل و ستون فقرات

تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر

افزایش حس حضور در محیط

آزاد کردن اندورفین

افزایش تعادل



mirela\_\_art

Let's relax with  
**MIRELA**

کریم خان



۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

میشی که در این علم شایسته ایم

شاید اسحاق سید علم به پدی کرد

خطاط: علی ملک

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

نه ساد هم محنت ورنه خاکنه کردون

نه لفظ هم به مضمون چه به معنی من



[Ali.malek.art](https://www.instagram.com/Ali.malek.art)

## Նեմրուֆ (լեռ)



Նեմրուֆ (հուն․՝ Ὄρος Νεμρούτ), 2134 մ բարձրությամբ լեռ: Նեմրուֆ, բարձունք Հայկական Տավրոսի լեռնաշղթայում, հնագույն Կոմմագենե երկրում: XIX դ. Նեմրուֆ լեռան վրա է Կոմմագենեի Անտիոքոս Ա Երվանդունի թագավորի (մ.թ.ա. 69 - 34) կառուցած դամբարանաբլուր-սրբավայրը, որի արևելյան և արևմտյան կողմերի արհեստական հարթակներին դրված են արձաններ, բարձրաքանդակներով ու արձանագրություններով այլ կոթողներ: Դեպի հարթակները տանում է սալահատակ ճանապարհ՝ տոնական շքերթների համար: Արձանները, որոնց բարձրությունը հասնում է մինչև 8 մ, կառուցված են կրաքարե խոշոր վեմերից և պատկերում են Կոմմագենե երկրի աստվածներին ու Անտիոքոս Ա-ին գահավորակներին բազմաձև: Մեջտեղում հայ դիցարանի գլխավոր աստված Արամազդի արձանն է, որի մի կողմում Արամազդի որդիներ Միհրի և Վահագնի, մյուս կողմում՝ Կոմմագենե երկրի դիցուհու և Անտիոքոս Ա-ի արձաններն են: Թագավորը պատկերված է հայկական տիգրանյան թագով: Հարթակների երկու կողմերի պատվանդաններին

բարձրացող ուղղանկյուն խոշոր սալերի վրա քանդակված են թագավորի նախնիների պատկերները հունարեն չորս արձանագրություններով, ինչպես նաև թագավորի ողջագուրման տեսարաններ Արամագղի, Միիր ու Վահագնի հետ:

Գահավորակների թիկունքին Անտիոքոս Ա դրոշմել է հունարեն մի մեծ արձանագրություն, որտեղ հիմնավորում է դամբարան-սրբավայրի կառուցման անհրաժեշտությունը, ազդարարում իր ու նախնիների պաշտամունքի ստեղծումը և դրա հետ կապված մի շարք միջոցառումներ:

Արձանագրությունները վկայում են, որ Կոմմագենեի թագավորական տունը սերում է Երվանդունիներից, և մ.թ.ա. IV - III դդ. Կոմմագենեն Հայաստանի մաս է կազմել: Սրբավայրը, որպես հարուստ և կարևոր աղբյուր, բացառիկ նշանակություն ունի արևելյան

հելլենիզմի և Հայաստանի հելլենիստական դարաշրջանի պատմության ու մշակույթի ուսումնասիրման համար: Երվանդունիների քաղաքական պատմության, այդ ժամանակաշրջանի կրոնական պատկերացումների, սինկրետիզմի

(համադրումների), արվեստի գեղարվեստական ըմբռնումների, տարազի, ինչպես նաև տաճարային տնտեսությունների ու հողային հարաբերությունների հետ կապված մի շարք հարցեր պատասխան են ստանում Նեմրութի սրբավայրի նյութերում:

Անտիոքոս Ա Երվանդունու դամբարանը, ենթադրությունների համաձայն, գտնվում է Նեմրութ լեռան գագաթին մանր քարերից ստեղծված արհեստական բլրի

ներսում: Բլուրն ունի մոտ 50 մ բարձրություն, իսկ հիմքի մասի տրամագիծը մոտ 150 մ է: Բլրի երկու կողմերում կառուցված են նույնանման հարթակներ, որոնցում կրկնված են Անտիոքոս Ա թագավորի և Կոնմագենեի աստվածների արձանները: Ըստ բլրի գագաթից ունեցած ուղղվածության հարթակները կոչվում են Արևելյան, Արևմտյան և Հյուսիսային: Արևմտյան հարթակում գտնվել է առյուծի պատկերով մի որմնաքանդակ (ենթադրվում է աստղագուշակյան պատկեր), որի վրա վերձանվել է մ.թ.ա. 62 թվականը: Ենթադրում են, որ հենց այդ թվականին է սկսվել դամբարան-սրբավայրի շինարարությունը:



Արևմտյան հարթակ

Արևելյան հարթակն ամենամեծն է: Այստեղ արձաններն ունեն նույն հերթականությունը, ինչ Արևմտյան հարթակում: Արձանները մասամբ պահպանվել են մինչև ուտերը: Արձանները տեղադրված են թիկունքով դեպի դամբարանը, բազմաձև գավաձորակներին: Արձանները պատրաստված են կրաքարե 8 շերտերից, որոնցից ստորին յոթն ունեն մինչև 1 մ բարձրություն, իսկ վերին՝ ութերորդ շերտը ձևավորում է արձանի գլուխը, բարձրությունը 2,5-3 մ է: Այդպիսով, արձանների ընդհանուր բարձրությունը կազմում է 8-10 մ: Անտիոքոս Ա թագավորի գլխանոցը տարբերվում է մյուսներից (համարվում է հայկական): Աստվածներն ունեն հայկական դիմագծեր: Պահապան կենդանիների՝ արծվի ու առյուծի արձանները նույնպես կազմված են շերտերից (5 կամ 6), բարձրությունը 4,5-5 մ է: Առյուծի արձանը գտնվում է երկու կողմերից եզրերում և մի քանի սմ-ով գերազանցում է արծվի արձանին:

## Հյուսիսային հարթակ

Հյուսիսային հարթակում գրեթե ոչինչ չի պահպանվել: Այս հարթակում հավաքվել է արարողության մասնակից ժողովուրդը և ճանապարհով շարժվել դեպի Արևմտյան հարթակ:

در قرن حاضر که دنیا در پیچیدگی و در هم تنیدگی کاملی از علم و فناوری قرار دارد و همه جوانب زندگی بشر را تحت الشعاع قرار داده است و بسیاری از کارهای بشر به دست هوش مصنوعی قرار گرفته آیا میتوانید شعر بسرایید و رمانی به رشته تحریر در بیاورد و یا طراحی کند؟

پس در این میان ذوق - احساسات و دنیای خیالی و امواج عاطفه هنرمند در کدام بخش قرار می گیرد؟ البته که امروزه توسط هوش مصنوعی رباط هایی طراحی شده که می توانند به وسیله قلمو طرح مورد نظر را ترسیم و مانند حرکات دست نقاش آن را ارائه دهند، و البته اینکه ب تازگی آمازون 200 کتاب ارائه کرده که همه آنها به وسیله هوش مصنوعی یا همان chat GPT نوشته شده یا در نوشتن آن دخیل بوده اند و این امر در زمینه های مختلف از جمله روانشناسی هم اتفاق افتاده است

در حوزه ادبیات در سال 2016 در یکی از کشورهای پیشتاز حوزه فناوری یعنی ژاپن اتفاق افتاد که یکی از

آنها رمان کوتاهی بود که توانست جایزه ادبیات علمی و تخیلی را از آن خود کند.

و برای نخستین بار در یک جایزه ادبی ژاپنی شرکت کننده های غیر انسانی هم حضور داشتند که از بین 1450 رمان ارسالی به سامانه جایزه، 11 نمونه در نتیجه همکاری انسان و هوش مصنوعی نوشته شده اند. که یکی از جابه های این رقابت این است که در هیچ کدام از چهار مرحله داوری اعلام نمی شود که کدام داستان به وسیله انسان و کدام توسط هوش مصنوعی نوشته شده است. رمان اشاره شده با اینکه از مرحله نخست عبور کرده بود، اما نتوانست در رقابت باقی بماند، چراکه داوران شخصیت پردازی داستان را ناکافی و ضعیف اعلام کرده بوده و گفته شده بود که شخصیت های رمان پختگی لازم برای درک شدن را نداشته اند.

خوشبختانه یا متأسفانه هوش مصنوعی در اعماق زندگی بشر رخنه کرده است که جدیداً هم قلم به دست گرفته و سودای نویسندگی در سر دارد. آیا مزایایش به معایبش می آرد یا برعکس؟؟؟

این فناوری که اکنون حتی قادر به سخن گفتن و درک عواطف انسانی است، کم کم تمام مشاغل را هم به دست گرفته از جمله تولید محتوا و این خطر بزرگیست برای نسل بشر. مانند این است که او را در اوج آزادی در زندانی محفوظ کرده و توانایی حرکت و حق زندگی کردن را از او گرفته باشند.

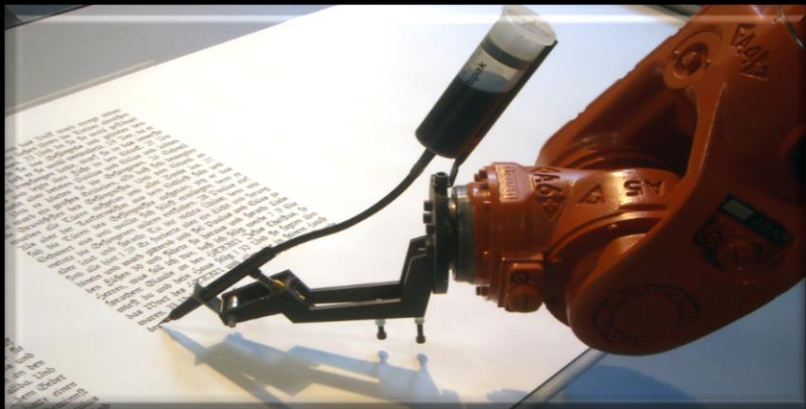
از زمانی که اینترنت و ماشین های خودکار پا به دنیای مدرن گذاشته اند کم کم روند زندگی مردم از حالت عاشقانه های فرانسوی و رمان های پر صلابت روسی و دیالوگ های سلطنتی انگلستان به آهن پاره هایی بدل گشته اند که در آن ها نه روح است و نه حس و فقط قطاری از کلمات همچون واگن هایی انسان تشنه مفهوم را به ناکجا آباد می برد، آنجا که خود می خواهد.

باید نیک بدانیم آنچه را که از درون یک انسان واقعی به عنوان شاعر و نویسنده سرچشمه میگیرد با آنچه که از ذهن یک هوش مصنوعی نگارش میشود و این دو مقوله ایست که باید به آن توجهی دو چندان شود چراکه احساسات و عواطف منشا ای

الهی دارد و هیچ هوش مصنوعی و یا شی دیگری این قابلیت را نداشته و ندارند. بگذارید به "همت" برگردیم و با "داستایوفسکی" همصدا شویم و با "الیوت" پرواز کنیم.

من میخوام شب ها وقتی که میخوام به جای آنکه نوشته های یک رباط را بخوانم با کتاب "ویلیام فاکنر" چشم هایم را ببندم و در دنیای خیالی "آلیس در سرزمین عجایب" بیدار شوم

من میخوام شعار نه به هوش مصنوعی را در ادبیات به عنوان یک مانیفیست ارائه دهم.



## بخش اول: بزرگان شعر

### ویلیام ویلیام کاتبرت فاکنر

(به انگلیسی: William Cuthbert Faulkner) (۱۸۹۷ - ۱۹۶۲) رمان‌نویس آمریکایی و برندهٔ جایزه نوبل ادبیات بود. فاکنر در سبک‌های گوناگون شامل رمان، داستان کوتاه، نمایش‌نامه، شعر و مقاله صاحب اثر است. شهرت او عمدتاً به خاطر رمان‌ها و داستان‌های کوتاهش است که بسیاری از آن‌ها در شهر خیالی یوکناپاتاوا (به انگلیسی: Yoknapatawpha County) اتفاق می‌افتد که فاکنر آن را بر اساس ناحیهٔ لافایت (به انگلیسی: Lafayette)، که بیشتر زندگی خود را در آنجا سپری کرده بود، و ناحیه هالی اسپرینگز/مارشال (به انگلیسی: Holly Springs/Marshall) آفریده‌است.

فاکنر یکی از مهم‌ترین نویسندگان ادبیات آمریکا و مشخصاً ادبیات جنوب آمریکاست. با این‌که اولین آثار فاکنر از سال ۱۹۱۹، و بیشترشان در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ منتشر شده بود، وی تا هنگام دریافت جایزهٔ نوبل در سال ۱۹۴۹ نسبتاً ناشناخته مانده بود. حکایت و رمان آخر او چپاول‌گران برندهٔ جایزه پولیتزر داستان شدند. در سال ۱۹۹۸، مؤسسه کتابخانه نوین رمان خشم و هیاهوی او را ششمین کتاب در فهرست صد رمان برتر انگلیسی قرن بیستم قرار داد، رمان گوربه‌گور و روشنایی در ماه اوت هم در این فهرست قرار دارند. رمان آبشالوم، آبشالوم! او هم اغلب در فهرست‌های مشابه گنجانده می‌شود. او بزرگ‌ترین رمان‌نویس آمریکایی بین دو جنگ جهانی شناخته می‌شود.

## Թաթուլ Օհանեան

Ծնւել է 1935թ.նոր-Չողայում գաղափարապաշտ ընտանիքում:նախնական եւ միջնակարգ,կրթութիւնը ստացել է նոր Չուղայի հայոց «Շահաբաս» դպրոցում եւ պետական «Աբադ» եւ «Ֆարհանգ» միջնակարգ դպրոցներում:Աւարտել է Սպահանի համալսարանի Հայագիտական ամբիոնը, սոյն ճիւղի առաջին 1962-63 թւի շրջանաւարտներից է «հայկական հարցի ծագումն Ու զարգացումը» աւարտաճառով:  
Պատանի տարիքից Անդամագրւել է ՀՅԴ ի նախ Երիտասարդական եւ ապա

շարքերի:Ընտրւել է պատասխանատու Մարմինների մէջ սկսեալ երիտասարդական Միութեան վարչութեան,տեղական կոմիտէի, Կ.կոմիտէի, եւ Բիւրոյի:  
Երիտասարդ տարիքից անդամակցել է ազգային հասարակական զանազան մարմիններին,ինչպէս օրինակ Եկեղեցական Թաղական վարչութեան,ազգային Դպրոցների Յոգեբարձութեան,Նոր Չուղայի ներկայացուցչական ժողովի դիւանին: Սպահանի հայոց Թեմի Թեմական խորհրդին եւ նոյն թեմի պատկամաւորական ժողովի դիւանին կիլիկիոյ կաթողիկոսութեամբ Ազգային ընդհանու ժողովի դիւանին նոյն կաթողիկոսութեան Ազքային կենտրոնական վարչութեան քաղաքական ժողովին:

Աշխատակցել է «Ալիք» օրաթերթին  
մարզական եւ ազգային կեանքին կապուող  
թղթակցութիւններով եւ զանազան  
յօդաձևերով:

Ամուսնացած է եւ ունի երեք զաւակներ:

Ներկայիս վարում է Սպահանի Թեմի

Պատմաւորական Ժողովի դիւանի

ատենապետութիւնը եւ Նոր-Ջուղայի

«Արարատ» Մարզա-մշակութային միութեան

առընատէրն է:



# John Keats

John Keats (31 October 1795 – 23 February 1821) was an English poet of the second generation of Romantic poets, along with Lord Byron and Percy Bysshe Shelley. His poems had been in publication for less than four years when he died of tuberculosis at the age of 25. They were indifferently received in his lifetime, but his fame grew rapidly after his death. By the end of the century, he was placed in the canon of English literature, strongly influencing many writers of the Pre-Raphaelite Brotherhood; the Encyclopædia Britannica of 1888 called one ode "one of the final masterpieces". Jorge Luis Borges named his first time reading Keats an experience he felt all his life. Keats had a style "heavily loaded with sensualities", notably in the series of odes. Typically of the Romantics, he accentuated extreme emotion through natural imagery. Today his poems and letters remain among the most popular and analysed in English literature – in particular "Ode to a Nightingale", "Ode on a Grecian Urn", "Sleep and Poetry" and the sonnet "On First Looking into Chapman's Homer".



ناتسومه سوسه‌کی Natsume Sōseki نویسنده‌ی اهل ژاپن متولد فوریه سال 1867 است. این نویسنده که با نام ناتسومه کین نوسو نیز شناخته می‌شود در محیطی متمول کودکی خود را گذرانده است. در آن زمان در کشور ژاپن قانون اجباری برای گذراندن دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی بود که ناتسومه سوسه‌کی علاوه‌بر شرکت در آن کلاس‌ها زبان چینی را نیز فراگرفت. ناتسومه سوسه‌کی پس از پایان تحصیلاتش به روزنامه‌نگاری و تدریس در دانشگاه مشغول شد و با دریافت بورسیه راهی لندن شد. در انگلستان تمام وقتش را صرف خواندن ادبیات قرن نوزده میلادی کرد و به سیر تحول غرب اشراف پیدا کرد. تسلط او به زبان انگلیسی سبب شد فراتر از ادبیات شرق قدم بردارد و به عنوان یک ژاپنی در حالی‌که غرب را مطالعه می‌کرد غرق فرهنگ غرب نشد. ناتسومه عمر درازی نداشت و در سال‌های آخر عمرش به سرودن شعر مشغول بود. او بر اثر بیماری که سال‌های آخر عمرش را تحت تاثیر قرار داده بود در سال 1916 درگذشت.



ناتسومه سوسه‌کی

## بخش دوم: ادبیات جهان

صحنه آرای و اجرا: پرستش دیونوسوس هر چند در سراسر یونان متداول بود ، اما در آتن اهمیتی ویژه داشت. در فاصله سال 635 تا 634 ق.م جشن بزرگ تازه ای به افتخار دیونوسوس به نام دیونوسیای شهر به منظور اجرا در اواخر ماه مارس به وجود آمد. همسرایهای دیتورامب ، و بعدها نمایش های تمام عیار، به صورت یکی از ویژگی های بارز این مراسم درآمد.

در اوایل سده پنجم ق.م. اعطای جوایزی به نمایشهای برنده مرسوم گشت. برای هر یک از سه شاعری که در مسابقه شرکت می کرد، یک رهبر گروه همسرایان برگزیده میشد. رهبر همسرایان ساز و برگ گروه را به هزینه خود فراهم می ساخت و به ترتیب هنرپیشه ها می پرداخت. هر نمایشنامه نویسی چهار قطعه نمایشی (تترالوژی) به جشن ارائه می داد که شامل یک تریلوزی (سه تراژدی که اساسا درباره یک موضوع باشند، مثل تریلوزی اورستیا، اثر آیسخولوس)، و یک نمایشنامه طنزآمیز یا ساتیریک (مثل سیکلوپها، اثر اورپیدس) بود.

در این عصر، هنرپیشه ها همه مرد بودند که شاید بیشتر به سبب رسایی صدا، و نه استعداد بازیگری، انتخاب میشدند.



## ՀԱՅԱՍՏԱՆ ԱՍԵԼԻՍ

Հայաստան ասելիս այտերս այրվում են,  
Հայաստան ասելիս ճնկներս ծալվում են,  
Զգիտեմ՝ ինչու՞ է այսպես:  
Հայաստան ասելիս շրթունքս ճաքում է,  
Հայաստան ասելիս հասակս ծաղկում է,  
Զգիտեմ՝ ինչու՞ է այսպես:  
Հայաստան ասելիս աչքերս լցվում են,  
Հայաստան ասելիս թներս բացվում են,  
Զգիտեմ՝ ինչու՞ է այդպես:  
Հայաստան ասելիս աշխարհն իմ տունն է,  
Հայաստան ասելիս էլ մահն ու մ շունն է.  
Կլինե՛մ, կմնա՛մ այսպես:

## بخش سوم: ادبیات ارمنی

پادشاهی های کوچک ارمنی ایجادش ده در غرب تنها بخش ناچیزی از مردم ارمنی را در خود داشتند. در چنین شرایطی، نواحی مرکزی تحت حکومت "یرواند"ی ها آن هسته اصلی بودند که می بایست گرد آن حکومت واحد ارمنی قدمی افراشت و ایم مهم در زمان حکومت آرتاشس اول بوقوع پیوست. آرتاشس علاوه بر متحد کردن نقاط دور افتاده ارمنستان با حکومت مرکزی، تا سرزمین پایتاکاران کاسپین (مناطق واقع شده در نقطه اتصال رود "کور" و رود "ارس") نیز پیش رفت و حتی به پیشروی خود در شمال نیز ادامه داد. در این اثنا خطرناک ترین همسایه ارمنستان سلوکیه بود که در آنجا پس از مرگ آنتیوکوس کبیر، پسرش سلوکوس چهارم حکومت می کرد.

سرانجام در سال 168 ق.م لشکریان ارمنی وارد یکی از سرزمین های تحت استیلای سلوکیان یعنی تموریک شدند و آن را ضمیمه هایک بزرگ کردند و مرزهای آن را تا سواحل رود دجله گسترش دادند.

بدین ترتیب در نیمه قرن دوم پیش از میلاد، ارمنستان به حکومتی مستقل و مقتدر و دارای قلمرو وسیع بدل گردید.

## بخش چهارم: ادبیات ایران

اگر بعضی ابیات منوچهری را فقط به لحاظ واژگان محتاج به شرح است، شعر مسعود به لحاظ ساخت بدیعی محتاج توضیح است (لغات عربی غلیظ آن فقط بطو و قنوع است). یعنی در توضیح شعر منوچهری کافی است معنی لغات را در پاتوشت ذکر کنیم اما شعر مسعود را باید با اتکا به دانسته های خواننده در بدیع و بیان بشکافیم. علاوه بر این ها در شعر مسعود اشاره هایی به علوم مختلف است (نقطه موهوم، جز لایتجزی) - که در شعر منوچهری نیست- و این از مختصات شعر پیشرو قرن ششم است که - علاوه بر توجه به استعاره - در تصویرسازی (تشبیه) از موارد علمی استفاده میکند و چنان که قبلا اشاره شد این اسلوب را ابوالفرج رونی بنا نهاده و انوری به کمال رسانید.

اینک قبل از اینکه برخی از ابیات بدیعی مسعود را توضیح دهیم، روایت منثور شعر را ذکر میکنیم:

**روایت شعر:** هنگامی که کوس سفر نواختم، شب (غروب) بود و زمین و زمان سیاه پوش. دل به قضا و قدر سپرده بودم. خوف و رجا تن و جان مرا گرفته بود و در میان دو احساس متضاد مباحث و باش سرگردان بودم. حرص و قناعت در دل و سر من ندای مجوی و جوی سر داده بودند.

## تنهاترین نهنگ دنیا؛

عنوانی بود که نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۴ به یک وال آبی داد! تنهاترین نهنگ، نهنگی بود که دانشمندان او را از سال ۱۹۹۲ تحت نظر داشتند تا بالاخره علت تنهایی‌اش را کشف کردند!

نهنگ ۵۲ هرتزی، نامی بود که دانشمندان پس از ضبط صدایش برای او در نظر گرفتند.

محدوده صوتی آواز وال‌های آبی بین ۱۵ تا ۲۰ هرتز است در حالی که آواز این نهنگ فرکانسی معادل ۵۲ هرتز داشت، در نتیجه توسط هیچ نهنگ دیگری قابل شنیدن و شناسایی نبود.

این نهنگ که به خاطر فرکانس صدایش «52 هرتز» نیز نامیده می‌شود، تنهاترین نهنگ دنیا خوانده می‌شود که هیچ پاسخی برای نغمه‌های عاشقانه‌اش دریافت نمی‌کند.

«52 هرتز» نه تنها در فرکانسی به مراتب بالاتر می‌خواند، بلکه بسیار کوتاه‌تر و به دفعات بیشتری نسبت به دیگر گونه‌های نهنگ می‌خواند، تو گویی به زبانی صحبت می‌کند که تنها خود آن را می‌فهمد و عجیب‌تر آنکه در انتخاب مسیر مهاجرت خود هم هرگز مسیر سایر نهنگ‌ها را انتخاب نمی‌کند!

این داستان شاید حکایت تنهایی خیلی از ما باشد، سخن گفتن و زیستن در آواها، رویاها و دنیاهایی که توسط دیگران قابل دیدن، شنیدن و درک کردن نیست.

گروه day که یک گروه موسیقی روسی می‌باشد با الهام از زندگی این نهنگ یک قطعه ساخته‌است که از صدای ضبط شده همین نهنگ تنها هم در این قطعه استفاده شده است.



صدای پس زمینه آهنگ آوای تنهاترین نهنگ دنیاس

## بخش پنجم: شعر شاعران

از دروازه تمدن خارج شوم  
در ناکجای زمان محو خواهم شد  
و در تولدی دوباره  
همراه پرستوهای مهاجر  
به ارض موعود باز خواهم گشت  
ملکوت انسان را  
بر زمین و زمان فریاد کنان  
در خوشه انگورهای سرخ  
نمایان خواهم ساخت  
و در آنجا که  
مایه ی گناه و تباهی بشریست  
بر آستان جلال تو  
در خاک مقدس جلجتای  
دوباره زنده خواهم شد.

آنیئا آرزومانیان

سفر می‌کردی و کار تو را دشوار می‌کردم  
که چون ابر بهاری گریه بسیار می‌کردم

همان "آغاز" باید بر حذر می‌بودم از عشقت  
همان دیدار "اول" باید استغفار می‌کردم

ملاقات نخستین کاش بار آخرینم بود  
تو را دیگر میان خواب‌ها دیدار می‌کردم

«به روی نامه‌هایت قطره اشک است، غمگینی؟»  
تو می‌پرسیدی و با چشم خون انکار می‌کردم

در آن دنیا اگر قدری مجال همنشینی بود  
به پای مرگ می‌افتادم و اصرار می‌کردم

خدا عمر غمت را جاودان سازد که این شاعر  
غزل در گوش من می‌خواند و من تکرار می‌کردم

#سجاد\_سامانی  
از کتاب #سالیان

## Richard Cory

Edwin Arlington Robinson

Whenever Richard Cory went down town,  
We people on the pavement looked at him:  
He was a gentleman from sole to crown,  
Clean favored, and imperially slim.

And he was always quietly arrayed,  
And he was always human when he talked;  
But still he fluttered pulses when he said,  
"Good-morning," and he glittered when he walked.

And he was rich—yes, richer than a king—  
And admirably schooled in every grace:  
In fine, we thought that he was everything  
To make us wish that we were in his place.

So on we worked, and waited for the light,  
And went without the meat, and cursed the bread;  
And Richard Cory, one calm summer night,  
Went home and put a bullet through his head.



Всё обойдётся в лучшем виде.  
Не спорь. Дыши. Прими урок.  
Выходит срок любой обиде,  
И жизнь - длинней, чем этот срок.

Пообомнётся, поостынет  
И вдоль пойдёт - не поперёк...  
А там беде или гордыне,  
Чему-нибудь, да выйдет срок.

И отодвинется. Отыдет.  
Отбередит. И, тратясь впрок,  
Не снизойдёт к былой обиде  
Душа... Но дай ей, дай ей срок!

**И. Снегова**

**“Ho bisogno di sentimenti” by Alda Merini**

Io non ho bisogno di denaro.  
Ho bisogno di sentimenti.  
Di parole, di parole scelte sapientemente,  
di fiori, detti pensieri,  
di rose, dette presenze,  
di sogni, che abitino gli alberi,  
di canzoni che facciano danzare le statue,  
di stelle che mormorino all'orecchio degli amanti...  
Ho bisogno di poesia,  
questa magia che brucia la pesantezza delle parole,  
che risveglia le emozioni e dà colori nuovi...

## Համո Սահյան

Ամպը կախվել է ամպից,  
Ամպամած օր է.  
Վերը երկինք է մթին,  
Ներքևը՝ ձոր է:

Ինչ-որ տազնապ է ձորում,  
Ինչ-որ սարսուռ է...  
Ուշաթափվել է առուն,  
Եվ ուռին լուռ է:

Հավքը թևերն ամփոփել,  
Կարծես մրսում է,  
Ու՞մ և ինչու՞, չգիտե,  
Բայց սպասում է:

Քամին քարայրն է մտել,  
Փշաքաղվել է, -  
Քարայրի հոնքը ծովել,  
Աչքը շաղվել է:

## Հովհաննես Թումանյան «Մրտիս թագուհի»

Մրտիս թագուհի,  
Կարոտել եմ քեզ.  
Ա՛խ, ինչ կլինի  
Հանկարծ հայտնըվես  
Եվ թեկուզ իսկույն  
Դարձյալ չըքանաս,  
Ինչպես գիշերվան  
Կարճատել երազ:  
Միայն թե տեսնեմ  
Պատկերդ մեկ էլ,  
Միայն թե ասեմ  
Ո՞նց եմ կարոտել:





کتاب شعر (آرتساخ، قلب همه ارمنیان) منتشر شد ...



@history2026

شاعر: عباس اقبال مهران  
 انتشارات بین المللی حوزه مشق  
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

## بخش ششم: حکایت ها

به سلیمان پیامبر گفتند: آب حیات در اختیار توست می‌خواهی بنوش. سلیمان با بوتیمار در این باب مشورت کرد و بوتیمار عرض کرد: اگر فرزندان و دوستان هم از این آب بهره‌ای داشته باشند چه بهتر، وگرنه چه ثمر دارد این زندگی که هر چهار روزی فراق و مرگ یکی از عزیزان را دیدن؟

**بگو به خضر که از عمر جاودانه تو را چه حاصل است بجز مرگ دوستان دیدن**



ابن سیرین کسی را گفت: چگونه ای؟ گفت: چگونه است حال کسی که پانصد درهم بدهکار است، عیالوار است و هیچ چیز ندارد؟

ابن سیرین به خانه خود رفت و هزار درهم آورد و به وی داد و گفت: پانصد درهم به طلبکار بده و باقی را خرج خانه کن و وای بر من اگر پس از این حال کسی را بپرسم!

گفتند: وادار نبودی که قرض و خرج وی را بدهی. گفت: وقتی حال کسی را بپرسی و او حال خود بگوید و تو چاره ای برای او نیندیشی، در احوالپرسی منافق باشی...

**اینچنین است رسم انسانیت و مردانگی...**

## قصه های عامیانه:

قصه های زیبای بسیاری، چون گنجینه های گرانبها در سینه مردم ایران، از روستاییان و کوه نشینان و پیرزنان مکتوم است که تا روزگاران اخیر جزو ادبیات شمرده نمی شده و تنها با پیش رفت ادبیات نو و آغاز پژوهش و مطالعه در انواع ادبیات، میل و علاقه به گردآوری و نشر آنها در میان مردم پدید آمده است.

قصه توده ای ترین و رایج ترین هنر عامیانه است. طرح میثاق مردم در قالب جذاب، پرکشش، سرگرم کننده، و ساده یکی از علل فراگیر شدن قصه هاست. البته صرف جذابیت و کشش، علت دوام حیات قصه ها نیست. آن چه حیات قصه ها را تداوم بخشیده ضرورتی درونی، افزون بر سطح فرهنگی جامعه است.

واژه قصه به معنی سرگذشت و حکایت است و اصطلاحا به آثاری گفته می شود که در آنها تاکید بیش تر بر روی داده های خارق العاده است تا تحول و تکوین شخصیت ها و افراد.

ساخت معنایی قصه بر دو اصل واقع گرایی و خیال پردازی نهاده شده است. آمیختگی این دو اصل قصه را زیباتر و مقبول طبع عام و خاص کرده است. قصه انگاره ها و تصویرهایی از زندگی مردم زمانه، شیوه کار و تولید، مناسبات میان افراد و گروه ها و طبقات، تضاد طبقاتی و ستیزه جویی های اجتماعی، روابط خانوادگی و خویشاوندی، گرایش های قومی و مذهبی، آداب و رسوم متداول در جامعه ها را به زبان ساده یا به زبان نمادین و به صورت های طنز، جدی، هزل، ترسیم و بیان میکند.





زیبا مسگری نژاد

سبک: هایپر رئال

[t.me/Art.elegant](https://t.me/Art.elegant)



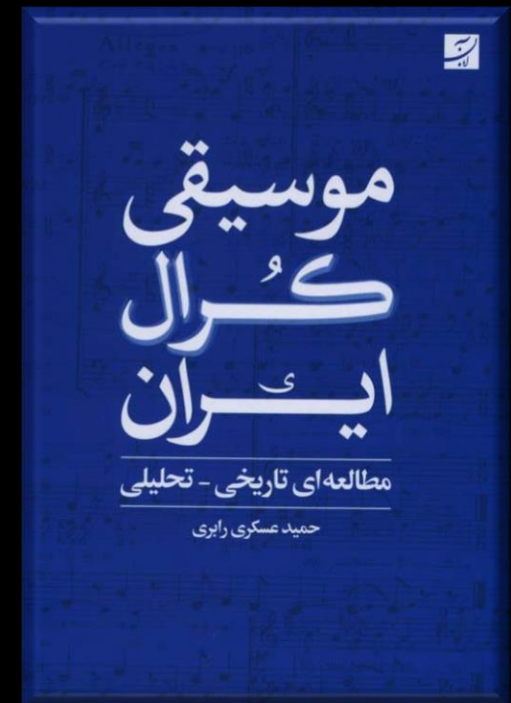
## بسترهای معرفی و شناخت موسیقی کلاسیک

### بخش هفتم: موسیقی

ورود اولین سیستم ضبط برنامه های رادیویی به ایران در سال 1319، سطحی از آموزش عمومی به همراه آورده و در نتیجه نوعی "عامه موسیقی" پدید آمد که اهمیتی جامعه شناختی دارد. مفهوم "عامه" توسط هابرماس و دیگران مطرح شد و با ظهور رسانه های جمعی هم مرتبط است. "رادیو نیز به عنوان یک رسانه جمعی به وسزه در دوران طلایی اش نقش مهمی در شکل دهی به این عامه داشته است. رادیو با پخش گسترده موسیقی یک عامه موسیقی جدید در ست کرد که پیش از آن وجود نداشت". آشکارا، پدیده رادیو، در آن دوره ف از طریق پخش اجراها و تفسیر موسیقی غربی، نقش موثری در شناخت موسیقی کلاسیک ایفا کرد. پیش از پیدایش رادیو، اختراع گرامافون و پدیده ضبط موسیقی نیز در آشنایی با موسیقی غربی موثر بود.

همچنین پس از تاسیس تلویزیون ایران، برنامه های بسیاری در زمینه معرفی موسیقی کلاسیک ساخته شد. در این زمینه، کارکرد ارکستر موسیقی نظام را هم باید در نظر داشت.

در سال 1329 اداره کل هنرهای زیبای کشور ایجاد شده و اداره موسیقی کشور زیر مجموعه آن قرار گرفت و از جمله اقدامات مهم آن حمایت از تشکیل انجمن فیلامونیک تهران در سال 1332 بود.



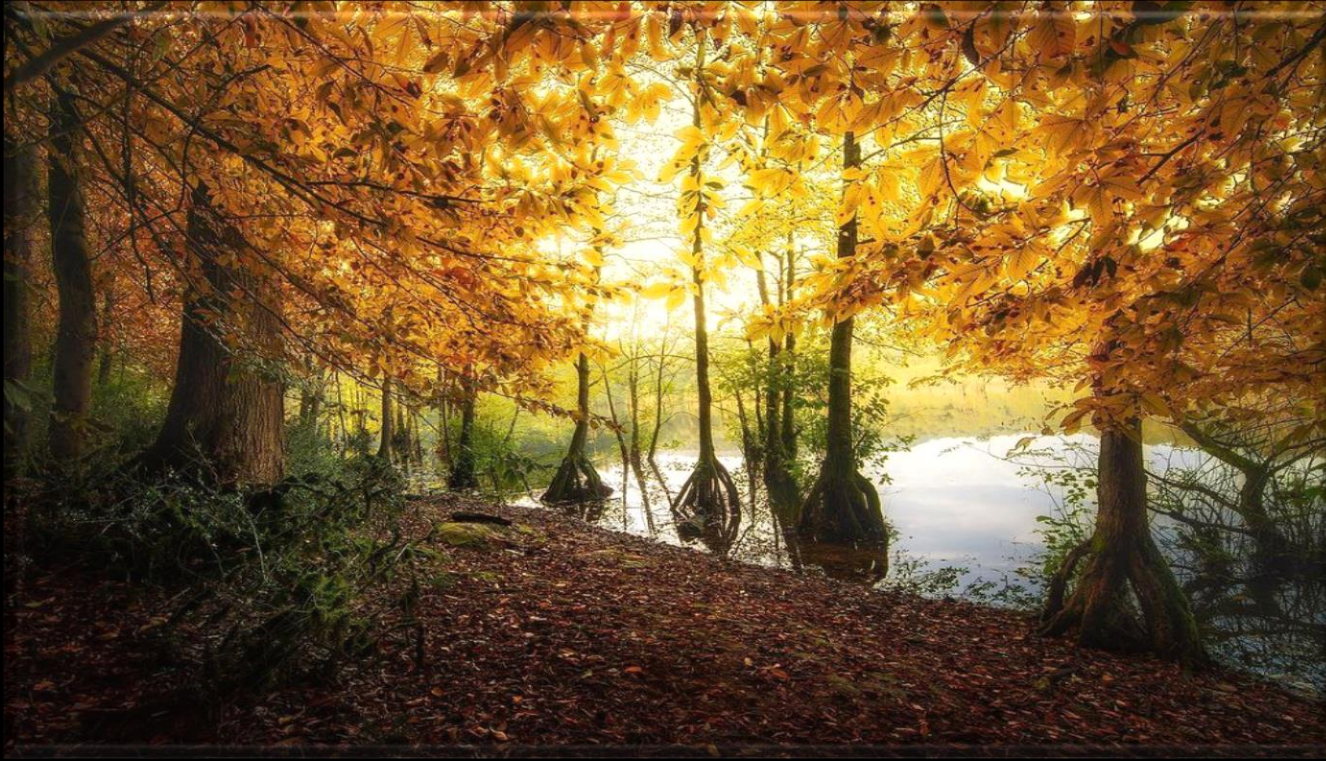
## بخش هشتم: بهداشت دهان و دندان

### نکاتی در رابطه با بهداشت دهان و دندان

چند نکته مفید در رابطه با رعایت بهداشت دهان و دندان

- جویدن آدامس بدون قند
- بعد از صرف غذا تا یک ساعت از مسواک و خمیردندان خودداری کنید، چراکه مینای دندان نرم‌تر می‌شود
- رژیم غذایی مناسب حاوی انواع ویتامین‌ها و سبزی‌ها را رعایت فرمایید تا از بیماری‌های لثه جلوگیری شود
- در صورتی‌که عارضه سفید شدن لثه دارید؛ در رفع آن تسریع کنید تا به عفونت‌ها و مشکلات دندانی منجر نشود
- از خدمات دندانپزشکی مانند جرم‌گیری و بلیچینگ دندان نیز سالی یک یا دو بار استفاده نمایید.
- دندان‌ها را هفته‌ای یک‌بار با جوش‌شیرین مسواک بزنید
- قرقره کردن سرکه سیب
- حذف تنقلات
- "خوراکی‌های پاک‌کننده" میل کنید؛ مانند سیب، کرفس، هویج خام، ذرت بوداده
- انتخاب نوشیدنی‌های مفید برای دندان‌ها. شیر، آب حاوی فلوراید و چای تلخ بهترین نوشیدنی برای دندان هستند.





**“One cannot step twice in the same river” – Heraclitus**

**нет коротких путей туда, куда стоит стремиться**

**“Leisure is the mother of philosophy” – Thomas Hobbes**

**Ты никогда не пересечешь океан, если боишься потерять из виду берег**

## بخش نهم: مصاحبه

در ابتدای گفتگو ضمن تشکر از شما به خاطر حضور ارزشمندتان در این گفتگو هنری به عنوان فتح باب این گفتگو شرحی از زندگی ارزشمند و سرشار از فرهیختگیان را برای مخاطبان محله ادبی آن بیان بفرمایید و این که ورود شما به عرصه موسیقی چگونه بوده است؟

سلام و درود به شما. سپاسگزارم از این که مرا به این گفتگو دعوت کردید. متولد سال 1366 در تهران هستم. ورودم به عرصه موسیقی علاوه بر استعداد ذاتی ما (من و برادرم) شاید ژن هایی است که از خانواده ام به خصوص پدرم به ما به ارث رسیده است، اولین قدم های ما برای ورود به عرصه بیکران موسیقی شنیدن آثاری از نوازندگان و خوانندگان موسیقی سنتی یا موسیقی اصیل ایرانی است که پدرم علاقه خاصی به آنها داشت (ملکی - یاحقی و تجوید) بوده است. شنیدن این آثار با نوار کاست های قدیمی بسیار دل انگیز بود و شاید برای خیلی از شما عزیزان یادآوری خاطراتی باشد. روح ما هر لحظه با موسیقی سنتی ایران پیوند خورده و در تار و پود ما نقش بسته است. بعدها علاقه خاصی به ساز ویولن پیدا کردم و حدود 12-13 سالگی بود که اولین ویولون را خریدم و به کلاس رفتم.... اینچنین آغاز شد.

## چه سبک موسیقی ای رو دنبال می کنید و دوست دارید؟

بیشتر سبک موسیقی ایرانی و در واقع موسیقی ارکسترال ایرانی رو خیلی بیشتر علاقه دارم. موسیقی تک خطی و تک نوازی رو از شنیدنش لذت میبرم و موسیقی ارکسترال باید بگویم که من رو به وجد می آورد.

اولین استاد یا شاید اساتیدی که شما داشتید و در این سالها شما رو همراهی کردند چه کسانی بودند؟

اولین استادی که به صورت حضوری در خدمتش بودم جناب آقای فرشید فرهمن بودند که ایشان از شاگردان آقای ملک هستند .

سپس دکتر همایون رحیمیان بودند که ویولون کلاسیک رو با ایشان کار کردم.

آقای شهرام صارمی که برای ساز کمانچه در حضور ایشان بودم.

آقای روزبه کلانتر ( ویولون ایرانی) که سبک خاص آقای تجوید و یاحقی رو کار می کردند.

این اساتید به صورت آزاد یا شاید بهتر باشد بگویم که به صورت خصوصی در حضور این عزیزان بودم.

و اما چون در دانشگاه فارغ التحصیل رشته آهنگسازی ایرانی هستم در حضور استاد ناصر منصوری که پسر ابراهیم خان منصوری بود( که البته سن ایشان هم موقع هم بالا بود) ویولون را گذراندم ، و در ساز پیانو با خاتم کلارا و مرحوم آقای رفعتی که از شاگردان آقای انوشیروان روحانی بود.(پیانو و ویولون)

به جز نوازندگی آیا شما در حوزه های دیگر موسیقی مثل آهنگسازی فعالیت دارید؟

بله، چون علاقه من به موسیقی ایرانی می باشد باید بگویم که ذات موسیقی ایرانی(شرقی) بداهه نوازی است. در واقع تفاوت موسیقی ایرانی(شرقی) با موسیقی غربی در این است که موسیقی ایران در لحظه خلق می شود و در اصطلاح بداهه می باشد . به اینصورت که شما که یک دانشی و دیتا بیسی رو دارید و می دانید چه میخواهید در چه فضا و دستگاه میخواهید و حالا احساس شما(غم، شادی،

ناراحتی و ....) آن را در لحظه با سازت بیان می کنید. و البته در مورد سوال شما من بیشتر نغمه پردازی میکنم تا آهنگسازی چون دوست دارم که در لحظه چیزی رو خلق کنم تا اینکه بنشینم و در موردش فکر کنم و آهنگی بسازم.

### آیا با تلفیق موسیقی ایرانی با موسیقی غربی موافق هستید؟

برای اینکه هنری به بن بست نرسد و حرکتی رو به جلو داشته باشد و پیشرفت کند لازم است و اینکه لازمه پرفرمنس ترکیب سبک ها است که ما این کار را در حوزه های مختلف هنر مثل ادبیات هم می بینیم اینگونه بگویم که مثلا خیلی از سبک های ادبی است که این را شعر می گفتند یعنی تکه هایی از مجلات رو می بریدند در کنار هم قرار میدادند یک جمله تشکیل میشد و این کار رو ادامه میدادند و در آخر میگفتند سبک ما اینه حتی اگر معنا یا مفهومی نداشته باشد و ممکن بود طرفداران خودش رو هم داشته باشد. تلفیق سبک ها خودش ایجاد نوآوری می کند و این که موسیقی شرق موسیقی ریشه دار و اصیلی است و این رو هم می دانیم که همیشه مذهب یون با موسیقی مشکل داشتند و ایران هم چون یک کشور مذهبی هست اجازه پیشرفت نمی دادند یعنی مقاومت در برابر پیشرفت موسیقی همیشه بوده، هست و خواهد بود ولی در کشورهای دیگه محققانی که در مورد موسیقی اصیل ایرانی اطلاعاتی داشتند و دوست داشتند آن را با موسیقی غربی تلفیق کنند کما اینکه خیلی از موارد در غرب ریشه در شرق دارد.





هر چهارشنبه ساعت 10 صبح منتشر و  
در دسترس می‌باشد.  
منتظر شما عزیزان در شبکه های  
اجتماعی هستیم.

ممکن است که لباس و زبان و رسوم و آداب و معتقدات  
مردم عوض شود، اما "حماقت آنها" عوض نخواهد شد و  
در تمام اعصار می‌توان به وسیله‌ی گفته‌ها و نوشته‌های  
دروغ مردم را فریفت.

زیرا همانطور که مگس عسل را دوست دارد مردم هم  
دروغ و ریا و وعده‌های پوچ را که هرگز عملی نخواهد شد  
دوست می‌دارند.

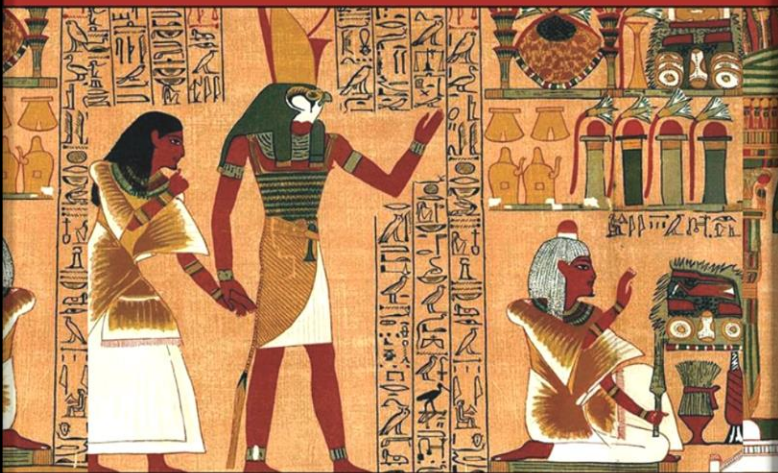
- سینه‌پاره پزشکی مخصوص فرعون
- میکا والتاری

# سینوهه

پزشک مخصوص فرعون

میکا والتاری

ترجمه و اقتباس: ذبیح‌الله منصوری



کتاب سینوهه پزشک مخصوص فرعون نوشته میکا والتاری، یکی از به یادماندنی‌ترین آثار ادبیات جهان محسوب می‌شود و علت ماندگاری آن به قصه‌گویی دقیق و جزئی‌نگرانه‌ی والتاری بازمی‌گردد که شما را به 3300 سال پیش می‌برد و درهای دربار آخن‌آتون را به روی شما باز می‌کند.

رمان شگفت‌انگیز و معروف سینوهه پزشک مخصوص فرعون (The Egyptian) یکی از بهترین و دقیق‌ترین آثار مربوط به مصر باستان است و شما با خواندن این رمان صرفاً داستان زندگی یک پزشک نابغه را پیگیری نمی‌کنید بلکه با زندگی مردم در آن ایام نیز آشنا می‌شوید. این کتاب، شما را به سفری خیال‌انگیز می‌برد که هرگز از یاد نخواهید برد. اگر به تاریخ علاقه‌مند هستید و اگر دلتان می‌خواهد در صفحات یک ماجرای هیجان‌انگیز برای چند ساعتی خود و زندگی‌تان را به دست فراموشی بسپارید، سینوهه برای شما بهترین گزینه است.